

متن پرسش

سلام استاد: سوالی پرسیدم بودم و منو ارجاع داده بودین به صوت جلسه هفتم از جلسات دوشنبه هاتون. اینکه باید بگذریم. قیل و قال نکنیم و... استاد چی میشه من که بلطف خدا و شاگردی شما چندین سال مبنای زندگیم روی نادیده گرفتن و دلخور نشدن بوده حالا می بینم بعضی اطرافیان نزدیکم هر بار به یک بهانه ای رفتارهای من رو با ظرافت و مبالغه آمیز و به صورت زشت مورد نقد قرار میدن؟ استاد دلم خیلی شکسته. انگار یه بار سنگین روی شونه هام هست و نمی گذاره دوباره بلند بشم. دوباره بخندم. دوباره نبینم. و این خیلی داره منو عقب میندازه!!! آخه خدا خودش گفته بود رابطه ت رو با من خوب کن تا من رابطه ت با دیگران رو درست کنم. خب من بخاطر خدا هر جا ناراحت شدم دم نزدم و گذشتم ولی الان بجای اینکه تو چشم شون محبوب بشم انگار تو سری خور فرض شدم! دلم گرفته. همین الانم ببینم شون لبخند می زنم ولی دلم بی قرار شده. از خودم ناراحتم. استاد نجاتم بدین. شما واسطه این... وقت کمه، نمی خوام سر این چیزای کوچک بمونم. بدجور زمین گیر شدم. پر پرواز کدومه؟ راستی استاد بلطف خدا و رهنمود شما باب نامه ۳۱ نهج البلاغه به جلسات هفتگی مجازی مون باز شد و شروع شده... ممنونم که هستید. ولی طرف عم بکم صمی که باشه وسط بهشت هم هیچی نمی فهمه!! پی نوشت: جواب هاتون به ایمیل نمیداد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ظاهراً در شرایطی هستیم که قضیه همین طور است که ملاحظه می فرمایید. علت مشکل، شما نیستید، روحیهی مردم طوری شده که به جای تذکر به خودشان و توجه به نفسِ لؤّامه، بقیه را مقصر می دانند. مطمئن باشید با برخورد خوب شما، خود شما گسترش می یابید. موفق باشید